



حکمتیست

۲۹۷

۵ مارس ۲۰۲۰ - ۱۵ اسفند ۱۳۹۸
پنجشنبه ها منتشر میشود



قربانیان گمنام کرونا

مظفر محمدی

بیماری، امروز یک فاجعه انسانی برای ۸۰ میلیون انسان را در ایران بوجود آورده است. صفحه ۴

فاجعه ی بیماری کرونا، شیوع بیماری بر اثر بی تفاوتی و پنهانکاریهای رژیم، امروز بر هر کسی عیان است. نه تنها در ایران بلکه در ده ها کشور منطقه و جهان این خیانت آشکار و عامدانه به مردم، به آگاهی جوامع بشری تبدیل شده است. پنهان کردن قربانیان کرونا، ناتوانی دولت در کنترل این

زمان با آنها نیست!

در حاشیه انتخابات اسرائیل

فواد عبداللهی صفحه ۳

رفاه کارگران شرط رفاه جامعه!

حزب حکمتیست (خط رسمی)

بعد از چند ماه ریاکاری و سنگ فقر و مشکلات کارگران را به سینه زدن توسط جمهوری اسلامی و مقامات مختلف "کارگری" آن، مانند کمیته تعیین حداقل دستمزد مجلس و خانه کارگر، رقم چهار میلیون و نه صد هزار تومان به عنوان حداقل دستمزد تعیین و برای تصمیم نهایی و به شورای عالی کار ابلاغ شد. و به این ترتیب کارناوال و تبلیغات کر کننده "کارگر دوستی"، با یک تعرض افسار گسیخته به سطح معیشت طبقه کارگر پایان یافت.

تعیین حداقل دستمزد کمتر از پنج میلیون تومانی، یعنی کمتر از ۵۰ درصد خط فقر اعلام شده حاکمیت، آنهم در یکی از بحرانی ترین دوره های حیات چهل و یکساله جمهوری اسلامی، چیزی جز مشروعیت بخشیدن به بردگی طبقه کارگر و گستاخی و دهن کجی سرمایه داران به این طبقه و مبارزات روزمره این طبقه برای رهایی از فقر و فلاکت و برای بهبود و رفاه نیست. صفحه ۲

جنبشی که دوباره به حرکت در آمده است

امان کفا

پس از هشت سال جنگ، نابودی، آوارگی و از هم گسیختگی شیرازه جامعه در سوریه، اینبار زندگی و امنیت حداقلی مردم آواره این کشور دستمایه زد و بندهای دولت های مرتجع شد. جمعیت وسیعی که بیش از ۵ میلیون نفر آن در کمپ های غیر قابل سکونت در ترکیه، بدون برخورداری از حداقل امکانات، اسکان داده شده اند و دائما مورد حمله

و خشونت های پی در پی و سازمان یافته نیروهای دست راستی و ناسیونال-فاشیست در ترکیه قرار گرفته اند. امروز همین زندگی غیر انسانی و مملو از هراس و خشونت مورد تعرض دولت فاشیست ترکیه قرار گرفته است. اما این تمام صحنه فاجعه انسانی در حال وقوع در سوریه نیست! بر خلاف تبلیغات دول غربی و میدیای رسمی که "مشکل

جمهوری

اسلامی

مسئول مستقیم

قربانیان

کرونا!

وریا نقشبندی ص ۶

پناهندگان" را به مرکز بحران و فاجعه انسانی در سوریه تبدیل کرده اند تا به این بهانه عمق فاجعه را محدود کرده و از زیر بار مسئولیت خود بعنوان مسبب این فاجعه انسانی شانه خالی کنند، همه قدرتهای بین المللی و منطقه ای در.. صفحه ۵

آزادی برابری حکومت کارگری

رفاه کارگران...
رقمی که تنها بیانگر بی شرمی حاکمیت و ظرفیت بالای آنها در ضدیت با حق طلبی، رفاه، آزادی و امنیت و حق یک زندگی شرافتمندانه برای دهها میلیون کارگر و خانواده‌های آنها نیست. پس از چهار دهه تکرار سالانه مراسم "تعیین حداقل دستمزد"، چهاردهه اعتراض طبقه کارگر به این کارنوال، این واقعیت را که میزان دستمزد طبقه کارگر نه در اتاقهای فکری بورژوازی و ارگانهای ضد کارگری حاکمیت، یا در چانه زنی فرمایشی دولت و نماینده سرمایه داران و شوراهای اسلامی کار، که در جدال و مبارزه متحد این طبقه علیه بورژوازی و تمام نمایندگان او در حاکمیت رقم میخورد، به داده طبقه کارگر در ایران تبدیل کرده است. اینکه حداقل دستمزد، سطح رفاه طبقه کارگر نه از مجرای "تبادل نظر" و "همفکری" با حاکمیت

که در جدالی روزمره و دائمی میان کارگران از یکسو و کارفرما و دولت آن از سوی دیگر، در توازن قوای میان این دو طبقه متخاصم صورت میگیرد، داده امروز طبقه کارگر در ایران است.

امروز و پس از سه سال جدال همه جانبه و رودر رو میان طبقه کارگر ایران و مردم آزادیخواه با جمهوری اسلامی، جدالی برای رفاه، آزادی و برابری، کسی برای کمیته تعیین دستمزد مجلس، شورای عالی کار و دولت و عوامل آنها در شوراهای اسلامی تره هم خرد نمیکند. طبقه کارگر در ایران به قدرت خود و به توان متحد خود چشم دوخته است. طبقه کارگر در دل مبارزه ای تاریخی و در جدال همه جانبه خود آموخته است که تامین رفاه و آزادی به صف متحد این طبقه و به مبارزه همه جانبه او گره خورده است و مردم محروم آموخته اند که رفاه کارگر شرط رفاه جامعه است!

امروز طبقه کارگر نه تنها برای تامین یک زندگی شایسته که برای به زیر کشیدن بورژوازی و دستگاه سرکوب و تحمیق آن، برای سرنگونی جمهوری اسلامی، کسب قدرت و پایان دادن به بردگی مزدی در مبارزه ای همه جانبه است. سه سال است جامعه ایران و فضای سیاست در این جامعه مهر عدالتخواهی سوسیالیستی طبقه کارگر را بر خود دارد. کمونیستها و رهبران سوسیالیست این طبقه در همه میدانهای مبارزه، در پیشاپیش این صف عظیم با پرچم یک رهایی سوسیالیستی در حرکت اند و همه کارگران و مردم ستمدیده و آزادیخواه را به صف خود دعوت میکنند. تلاش میکنند اتحاد کارگری، سازمانیابی کارگران در تشکلهای این طبقه را تامین و کار بورژوازی را یکسره کنند. تعیین حداقل دستمزد پنجاه درصد زیر خط فقر در چنین دوره ای بازی با آتشی است که میروید به حیات سیاه جمهوری اسلامی در ایران خاتمه دهد. تعرضی است که بیشک از جانب طبقه کارگر بیجواب نخواهد ماند. جواب طبقه کارگر به این لجام گسیختگی بورژوازی و حاکمیت آن، گسترش مبارزه متحدانه و متشکل خود، گسترش مبارزه ای سراسری علیه فقر و فلاکت که یکسر آن در مراکز کار و سر دیگر آن در محلات کارگری است و در متحد کردن مردم محروم حول پرچم رفاه و آزادی خود است. این تنها راه افسار زدن به مجلس نشینان و روسای حاکم و بورژوازی در تعرض به معیشت طبقه ما به نام تعیین حداقل دستمزد است.

امروز بیش از هر دوره ای مبارزه برای رفاه به مبارزه ای سراسری علیه حاکمیتی که فقر و فلاکت، خفقان و استبداد و یک زندگی سراپا تحقیر را به طبقه کارگر و مردم محروم در ایران تبدیل کرده، گره خورده است. فقر و بیکاری، گرانی و

استیصال مهمترین سلاح بورژوازی و دولت جمهوری اسلامی در مقابله با کارگران و مبارزه همه جانبه آنها برای رهایی است. تلاش برای سازمانیابی یک مبارزه سراسری به وسعت ایران، برای رفاه و یک زندگی انسانی و مرفه، بخشی مهم از مبارزه ما برای سرنگونی و استقرار یک جامعه آزاد و برابر، یک جامعه سوسیالیستی است. حزب حکمتیست (خط رسمی) در کنار همه سوسیالیستهای این طبقه، پرچم این رهایی را برافراشته و تمام کارگران کمونیست و آگاه، همه رهبران و فعالین کارگری را به پیوستن به این تلاش و مبارزه ای متحد حول این پرچم فرامیخواند.

زنده باد آزادی و برابری
زنده باد انقلاب کارگری

حزب حکمتیست
(خط رسمی)
۱۵ اسفند ۱۳۹۸
(۵ مارس ۲۰۲۰)

مجمع عمومی تنها نماینده اراده مستقیم کارگران

زمان با آنها نیست!

در حاشیه انتخابات پارلمانی اسرائیل

فواد عبداللہی



نتایج مقدماتی انتخابات پارلمانی اسرائیل از پیش‌تازی حزب لیکود به رهبری بنیامین نتانیاهو خبر می‌دهد.

از مرتجع‌ترین کشورهای عربی - در رده اول عربستان سعودی تا مصر، تحت دیکتاتوری سیسی، و تا امارات متحده عربی، این دولت اسرائیل است که امروز مرکز راست افراطی در خاورمیانه را به خود اختصاص داده است؛ این سیستم ائتلاف ارتجاع بین المللی و ماوراء ملی است که زیر سیطره آمریکای ترامپ است.

تردید نیست که عروج دوباره نتانیاهو تا حد زیادی مدیون مانورهای جنجالی و حمایت‌های بی دریغ دولت ترامپ است. کسی که بیت المقدس را پایتخت اسرائیل اعلام کرد و با اعلام حاکمیت اسرائیل بر بلندی‌های جولان

”برگ زرین“ دیگری را به کارنامه نتانیاهو اضافه کرد. بعلاوه کشمکش آمریکا و ایران نیز بخش دیگری از اقداماتی است که به حساب انتخاباتی نتانیاهو واریز شد.

تا اینجای کار واقعیت‌های سیاسی نشان می‌دهد که این جبهه راست افراطی به سرکردگی ترامپ در جهان در مقابل سایر رقبا از جمله اروپا و چین و روسیه کماکان منطقه را صحنه تاخت و تاز جنگ‌های نیابتی خود نگاه خواهند داشت. مسئله فلسطین و طرح ”معامله قرن“ در خدمت به این هدف است. وعده‌های دولت عربستان در این مسیر به اردن و مصر و شروع عادی سازی روابط با اسرائیل این را نشان می‌دهد.

اما مستقل از اینها، زمان در کنار راست افراطی نیست؛ چنین ”پیروزی‌های انتخاباتی“ کوتاه مدت است و چنین

است. منافع مشترکی مردم در خاورمیانه را به میدان مبارزه علیه حاکمان مرتجع کشانده است. از ایران تا عراق و لبنان اعتراضات حق طلبانه مردم شعله کشیده است. کشمکش علیه حاکمیت استبداد، فقر، محرومیت و تبعیض در خاورمیانه قومی - مذهبی به حرکت درآمده است. همین فاکتور است که روزنه‌امیدی در منطقه گشوده

جبهه بندی‌هایی، در درازمدت پایدار نخواهند ماند؛ دنیا تنها صحنه قلدری و رقابت قدرتهای جهانی با هم و پراکسی‌های منطقه‌ای آنها علیه هم نیست؛ خاورمیانه هم اکنون بلحاظ سیاسی در حال گذار از گذشته و به یک وضعیت جدید

است و راست افراطی را نهایتاً به چالش میکشد؛ راستی که هم اکنون در وحشت و هراس از نسیم عدالت خواهی و برابری طلبی است.

بدون شک پیروزی این جنبش در هر کدام از این کشورها در وحله نخست به لگام زدن راست افراطی می‌انجامد و پیش‌درآمد تحولات انقلابی در خاورمیانه و جهان خواهد بود.

به عنوان گام نخست در سازماندهی شورائی کارگران و به عنوان یک راه حل فوری و قابل تحقق برای پر کردن خلاء ناشی از فقدان تشکلهای توده‌ای کارگری، حزب حکمتیست (خط رسمی) خواهان شکل‌گیری و گسترش جنبش مجمع عمومی کارگری است. هدف جنبش مجمع عمومی ایجاد یک شبکه وسیع از مجامع عمومی کارگران در کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی و اقتصادی مختلف، منظم کردن و مرتبط کردن آنها با هم و از این طریق ایجاد هر چه سریعتر یک ابزار تشکیلاتی موثر و یک رهبری عملی کمابیش سراسری در مبارزات جاری کارگری است.

جنبش مجمع عمومی، که باید با فعالیت آگاهانه کارگران کمونیست بر پا شود، از این نقطه قدرت اساسی برخوردار است که در عین اینکه گام نخست در سازماندهی شوراهای کارگری است، هم اکنون بدلیل وجود زمینه‌های مادی بسیار مناسب در جنبش کارگری قابلیت تحقق سریع اهداف خود را دارد.

(قطعنامه در باره تشکلهای توده‌ای طبقه کارگر)

بیانیه حقوق‌جهاشمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شوراهای

قربانیان گمنام ...

در دل این شرایط بحرانی، بیشترین قربانیان بیماری کرونا، فقرا و محرومان و گرسنگان جامعه هستند. قربانیانی که، قبل از مرگ صدایشان را کسی نمی شنود و بعد از مرگ در گورهای دستجمعی زیر بتون آهک بی نام و نشان و گمنام دفن می شوند.

بیشترین قربانیان بیماری کرونا خانواده های کارگران بیکار، دستفروشان، کارگران فصلی و ساختمان، کودکان کار و محرومانی هستند که نه تنها امروز بلکه در بیش از جهل سال حاکمیت جمهوری اسلامی نان سفره شان از درآمد کار همان روز تامین می شود. این جمعیت بالغ بر بیست میلیون بیکاران و گرسنگان، مجبورند به دنبال نان روزشان خود را به کام مرگ کرونا بیندازند. این بخش عظیم جامعه ی ما فراموش شدگانی است که مرد و زن و کودک شان شبانه روز بین مرگ و زندگی دست و پا می زنند. مرگ از گرسنگی و فقر و بی دارویی و امروز مرگ از کرونا. درد مضاعفی که دامن بیش از بیست

میلیون خانواده های تنگدستان و فقرا و بیکاران و محرومان را گرفته است. از اقشار متوسط و بالای جامعه که بگذریم اگر بتوان گفت که کارگران شاغل، معلمان، کارمندان و دیگر مزدبگیران ولو با حقوق های معوقه هنوز خطر مرگ از گرسنگی محض را ندارند و ممکن است بتوانند چند ماهی با درآمد ناچیز زندگی کنند و از خطر کرونا هم تا حدی در امان بمانند، اما جمعیت بزرگ بیکاران و فقرا و خانواده هایشان از هر دو خطر گرسنگی و کرونا راه گریز و فراری ندارند. چه کسی مسوولیت حفظ جان این بخش جامعه را از خطر مضاعف کرونا - گرسنگی برعهده دارد؟ امروز خطر بیماری و اپیدمی کرونا هر گونه راه اعتراض و عصیان گرسنگان را بسته است. اما طبقه کارگر شاغل، معلمان و دیگر مزدبگیران، روشنفکران مترقی، انساندوستان و آزادیخواهان، می توانند بهر شکل ممکن دولت را تحت فشار قرار دهند که برای کلیه خانواده های بیکاران، دستفروشان، کارگران فصلی، کودکان کار و فقرا و گرسنگان با پرداخت وجوه نقدی،

تحويل بسته های مواد خوراکی و ما یحتاج ضروری بصورت هفتگی و ماهانه زندگی و زنده ماندنشان را تامین و تضمین و بیمه کنند. طبقه کارگر آگاه و دیگر حقوق بگیران و زحمتکشانی که هنوز بخور و نمیری دارند، باید به فکر این جمعیت بالغ بر بیست میلیونی گرسنگان باشند. این بخش جامعه وقتی نان روزانه ی سفره شان را ندارند، چگونه می توانند امکانات بهداشتی و حفاظت خود از بیماری کرونا را تهیه کنند! وقتی نان امروزشان را می خواهند چگونه می توانند در منازل خود بمانند و قرنطینه شوند؟! کارگران! مردم شرافتمند!

برای نجات بخش عظیم بیکاران و گرسنگان جامعه از خطر مضاعف کرونا- گرسنگی که یک چهارم جمعیت فقرا و محرومان ایران را تشکیل می دهند آستین ها را بالا بزنید و خواستار تامین زندگی شان شوید. نجات این

بخش جامعه از گرسنگی یکی دیگر از راه های جلوگیری از شیوع و گسترش بیماری مرگبار کرونا در کل جامعه است. این روزها به درست مشغله و دغدغه ی اصلی و تلاش مردم ایران تهیه و تامین امکانات بهداشتی رایگان از دولت، شناسایی مبتلایان به بیماری کرونا و قرنطینه ی مکان ها و شهرهای مبتلا به این بیماری است. اما فراموش نکنیم که یک راه دیگر مهار کرونا، رسیدن به داد چند ده میلیون انسان گرسنه هم هست که هیچگونه امکانی برای حفاظت از خود در مقابل خطر کرونا- گرسنگی را ندارند. کشور چین با جمعیت بالغ بر یک میلیارد ونیم به مهار کرونا نزدیک شده است. بالغ بر یکصد میلیون انسان در یک استان چین قرنطینه شده و امکانات بهداشت و درمان و مواد خوراکی و نیازهایشان تامین است. در کشور ثروتمند ایران که کم تر از یک استان چین جمعیت دارد، مهار و کنترل کرونا کار سختی نیست اگر،

دولتمردان و سرمایه دارن و غاصبان داراییهای مردم، سر کیسه را شل کرده و بخشی از داراییهای نقدی و جنسی غصب کرده و احتکار شده را به تامین مراکز بزرگ بهداشت و درمان و توزیع رایگان امکانات بهداشتی و دفاع مردم در مقابل کرونا از طرفی و تضمین حیات بخش عظیم گرسنگان جامعه از طریق تامین نیازمندیهای ضروری شان در این شرایط بحرانی اختصاص دهند. بیماری فقر زمینه ی شیوع و گسترش بیشتر بیماری کرونا را فراهم کرده و می کند. تامین نیازمندیهای ضروری و حیاتی زندگی چند ده میلیونی خانواده ی بیکاران، کارگران فصلی، دستفروشان، کودکان کار و دیگر محرومان و گرسنگان یک راه جدی و اساسی دیگر مبارزه با کرونا است.. بدون این اقدام همزمان و هماهنگ، کرونا این بخش بزرگ جامعه را به کام مرگ می کشاند و یک فاجعه ی انسانی بزرگ برای کل جامعه به بار می آورد!

کارگران همان متحد شوید!

جنبشی که دوباره ... فاجعه امروز همانند هشت سال جنگ، ویرانی، آوارگی و نسل کشی در سوریه سهیم و شریک اند. آنچه در سوریه در این هشت سال گذشت، چه تحت عنوان "مبارزه برای سقوط" و چه با پرچم "سرپا نگهداشتن" دولت بشار اسد، تنها محمل نزاع ها و رقابت های قطب های جهانی و دول مرتجع منطقه بود که با به خون کشیدن انقلاب مردم سوریه علیه دولت اسد و تبدیل آن به جنگ، قتل و کشتار و آوارگی مردم این کشور منجر شد. پروسه ای که در آن از اتحادیه اروپا، آمریکا، روسیه و ناتو و غیره گرفته تا ترکیه و جمهوری اسلامی و عربستان و اسرائیل و غیره، همگی سهم داشته و دارند. تک تک این نیروها در کنار بشار اسد باید در دادگاه های مردمی به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه شوند. این واقعیتی است که امروز پشت پرده "اعتراض به بحران پناهندگی در یونان"، در اعتراض به باج بگیری دولت ترکیه، خوابیده است. در آخرین پرده این جنایت و نسل کشی تاریخی، از اخراج پناهندگان از اردوگاههای ترکیه تا بمباران و کشتار و آوارگی مردم ادلب، از تلاش برای غرق کردن قایق های حامل مردم بیگناه توسط نیروهای دولت یونان تا بستن مرزهای اروپا به روی آوارگان و ... جای پای تمامی این مجرمان بین المللی را میتوان مشاهده کرد. جای پای ترامپ و سیاست های نظامی او در حمایت از باندهای قومی و مذهبی یا در حضور و در "خروج" نیروهای نظامی اش از منطقه، جای پای اتحادیه اروپا در بستن مرزهای خود و ممانعت از فرار مردم جنگ زده از جهنمی که برایشان ایجاد کرده اند، جای پای دولت اسد و متحدانش جمهوری اسلامی در سرکوب هرگونه آزادیخواهی در سوریه، جای پای عربستان و ترکیه در تامین مالی و نظامی داعش و افزایش نفوذ آن در منطقه و ... همه و همه را میتوان در جهنمی که امروز برای مردم بیگناه منطقه و بویژه سوریه درست شده است، را دید. پشت ادعای انساندوستی دول "منتقد اردوغان" دنیایی از ریا، دروغگویی و شانه خالی کردن از بار مسئولیت خود در قبال فاجعه انسانی در سوریه و کل منطقه خوابیده است. دولتهایی که تمام راههای فرار و نجات قربانیان جنایت خود در سوریه، لیبی، عراق، افغانستان، یمن و ... را با سیم خاردار و بمب و گلوله بسته و بانی فاجعه انسانی اند. تحریکات نظامی ترکیه در مقابل دولت بشار اسد در ادلب که فقط در طی سه ماه گذشته منجر به آواره شدن ۹۰۰ هزار نفر شده است، ادامه این شرایط بحرانی و فاجعه انسانی است. امروز ترکیه برای گسترش دامنه نفوذ خود در سوریه، به پشتیبانی اتحادیه اروپا در مقابل روسیه نیاز دارد. راه پیشبرد این سیاست نیز، گروگان گرفتن جان و زندگی هزاران هزار مردم فراری از جهنم سوریه، افغانستان، عراق، ایران و ... است. دولت فاشیست ترکیه نام اخراج و بیرون انداختن فراریان از جنگ از ترکیه، وادار کردن آنان به عبور از مسیرهای غیر ممکن، بستن راه برگشت به ترکیه و به گلوله بستن کسانی که امکان عبور از مرز را ندارند و در یک کلام بازی با زندگی و جان هزاران هزار انسان را "باز کردن مرزها" و "خروج داوطلبانه پناهجویان" نام میگذارد و "دول فخریه" غربی برای آنان اشک تمساح میریزند و همزمان مرزهای خود را با سیمهای خاردار "محافظت" میکنند، برویشان اسلحه میکشند، قایق هایشان را غرق میکنند و از دولت ترکیه "انتقاد" میکنند! انتظار پاسخی انسانی از این قدرت های ارتجاعی، پوچ است. مردم شرافتمند و انساندوست در اروپا یکبار با شعارهای "خوش آمدید"، با باز کردن آغوش خود بر فراریان از این جهنم، دولت های خود را وادار کردند تا در برابر این موج عظیم انساندوستی عقب نشینی کنند و مرزها را به روی این فراریان باز کنند. این جنبشی است که امروز همچنان، علیرغم تمام تبلیغات نیروهای ارتجاعی و فاشیستی و میدیای حامی آن، حی و حاضر است. مردم آلمان با اعتراض خود به دولت آلمان، با خواست باز کردن مرزهای اروپا به روی فراریان از جنگ، سوت آغاز به میدان آمدن این جنبش انسانی را زدند. پایان دادن به گروگان گیری هزاران هزار زن و مرد، پیر و جوان و کودک توسط دولت اردوغان، وادار کردن اتحادیه اروپا به باز کردن مرزها و حفظ زندگی و امنیت قربانیان فجایع خاورمیانه کار این جنبش است. جنبشی که دوباره سر بلند کرده است و میرود به سرعت همه اروپا را فراگیرد.

انحلال و خلع سلاح سپاه پاسداران، ارتش و کلمه دارودسته های نظامی و شبه نظامی وابسته به جمهوری اسلامی، تحت کنترل گرفتن کامل کلیه امکانات تسلیحاتی، تدارکاتی و اموال و دارائی های این ارگانها و نهادها.

نشریه هفتگی حزب حکمتیست (خط رسمی)

www.hekmatist.com

سر دبیر: فواد عبداللہی
fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب
@Hekmatistx

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا
aman.kafa@gmail.com

دبیر دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی
mozafar.mohamadi@gmail.com

دبیر کمیته تبلیغات: فواد عبداللہی
fuaduk@gmail.com



دوم میباید و جامعه در وضعیت قرمز بسر میبرد، اما کماکان از فروخته شدن اجناس تقلبی در داروخانه ها به جای مواد ضد عفونی کننده، بالا رفتن آمار قربانیان بر اثر کمبود تجهیزات پزشکی در بیمارستانها، کمبود پرسنل در بیمارستانها، و فریه تر شد دستگاه دروغ پراکنی و سانسور خبری رسانه های دولتی در این رابطه مواجه هستیم.

اما جمهوری اسلامی یک چیز را درست محاسبه نکرده بود و آن هم مبتلا شدن بخشی از سران حکومتی به این ویروس بود. در حال حاضر بخشی از طلبه های حوزه علمیه قم را به صورت جمعی به شهرهای دیگر ایران که ضریب مبتلا شدن آن هنوز پایین میباشد منتقل کرده اند و در بعضی هتل ها اسکان داده اند، خود سران حکومتی با بهترین امکانات موجود تحت

مراقبت و معالجه قرار گرفته اند و خانواده هایشان نیز به تبع از تیررس این ویروس در امان میباشند. در اینجا این مردم و طبقه کارگر و زحمتکش ایران میباشند که دلهره و نگرانی از مبتلا شدن به ویروس کرونا را بصورت ثانیه ای از سر می گذرانند. باید چه انتظاری داشت وقتی "رئیس جمهور" روحانی و "رهبر" ایران خامنه ای اعلام میکنند که این یک توطئه بیش نیست، یکی آن را ابزارافشار کشورهای خارجی بر ایران نام میبرد و آن یکی "ویروس کذایی". جمهوری اسلامی خود منبع تولید هرگونه ویروسی از جنس مذهبی و خرافه پرستی گرفته تا نژادپرستی و غیره است. یادمان نرود که همین چند روز یکی از مراکز درمانی در بندرعباس توسط یک

شاهد چنین استیصال و درماندگی شهروندان در برابر این ویروس نبودیم و تا این حجم قربانی نمیدادیم. اما چنین توقعاتی هر چند بحق، از این حکومت و دولت برآمده از آن، با هیچ اگر و باید و نباید عملی نخواهد شد مگر با دخالت دوباره از پایین جامعه و تحت فشار قرار دادن ارگانهای حاکم برای تن دادن به این خواسته ها. برای اثبات بی کفایتی، بی مسئولیتی و در یک کلام جنایتکار بودن این سیستم که حتی یک سر سوزن برای جان و زندگی شهروندان اهمیتی قائل نیست، نگاهی بیندازید به زلزله زدگان و سیل زدگان هم سالهای گذشته و هم امروز که چگونه با حرص و طمع وصف ناپذیری در احتکار و چپاول مواد اولیه مورد نیاز برای قربانیان به تلاش و تکاپو می افتند، چگونه سر راه کمکهای مردمی اخلاص و ممانعت ایجاد میکند و در حد امکان سازمان دهندگان آن را به زندان می افکند.

در این شرایط نیز باز درب بر همان پاشنه می چرخد. روزی نیست که خبر احتکار ماسک و دستکش در خیلی از انبارهای سراسر کشور به بیرون درز نکند، روزی نیست که ما شاهد خبر فوت بیماران مبتلا به این ویروس در فلان بیمارستان و شهر نباشیم. انگار همه چیز دست به دست هم داده که به لطف این ویروس چرخه اقتصاد ملی را به حرکت درآورده و سودهای کلان به جیب بزنند. نهادهای امنیتی از همان روزهای اول با قدرت تمام از درج اخبار واقعی و موثق گستردگی این ویروس جلوگیری به عمل آوردند، پرسنل و پرستاران و پزشکان را تهدید کردند که اخبار و آمار تلفات و مبتلایان را بصورت مستقل اعلام نکنند و تا امروز نیز از دادن آمار واقعی سر باز میزنند. هر چند حتی با مراجعه به آمار رسمی که اعلام شده، ایران بعد از چین در رتبه

جمهوری اسلامی مسئول مستقیم قربانیان کرونا! وریا نقشبندی

شیوع بیماری ویروس کرونا در ایران برمیگردد به قبل از انتخابات یازدهم مجلس شورای اسلامی، در دوره ای که جمهوری اسلامی بنا بر کساد شدن بازار انتخاباتی از سوی جامعه، تمام تلاش خود را کرد تا از اعلام رسمی شیوع این بیماری اجتناب و بهره برداری سیاسی خود در دوره پسا انتخاباتی را از آن به عمل بیاورد. جمهوری اسلامی به خوبی واقف بود که بحرانها و تضادهای اجتماعی در پایین جامعه، کمترین شانس برای به نمایش گذاشتن انتخابات را با خود خواهد داشت، به همین دلیل تا دو روز مانده به دوم اسفند یعنی روز انتخابات منتظر ماند و سپس به صورت رسمی از شیوع آن در ایران خبر داد. در واقع هدف این بود که یکی از دلایل اصلی بایکوت انتخابات را به پای ویروس کرونا بنویسد و با این خیال بحران مشروعیت خود را با قربانی کردن صدها و چه بسا هزاران مبتلا به این ویروس زیر فرش کند.

اگر جمهوری اسلامی از قبلتر با کنترل و نظارت کامل، مبتلایان اولیه را تحت مراقبت و درمان قرار میداد، اگر با اطلاع رسانی به موقع و همچنین تجهیز کردن بیمارستان ها برای مواجه با موارد مشکوک اقدام می کرد، اگر مواد بهداشتی مورد نیاز را با نظارت و کنترل دولت در اختیار شهروندان قرار می داد، اگر با برنامه های آموزشی طبق استانداردهای جهانی مواجه با این ویروس، شمار مبتلایان را به حداقل میرساند، و هزار و یک اگر و باید دیگر، قطعاً امروز

دوباره را از راه رقص و پایکوبی به مردم منتقل میکنند. اما در این میان، مفلوک و شرمسار واقعی این میدان تک تک سران و مقامات ریز و درشت جمهوری اسلامی میباشند که در جنایت پیشه گی و قربانی کردن مردم ایران از هیچ امکانی دریغ نخواهند کرد، ما نیز این دوره را فراموش نخواهیم کرد.

رگه قوم پرستانه به بهانه قرنطینه کردن تعدادی بیمار از قم در آنجا طعمه حریق شد.

ویروس نژادپرستی و قوم پرستی در چنین فضاهایی به سرعت رشد میکند و خود جمهوری اسلامی پرچمدار واقعی آن است. بی گمان این دوره نیز سپری خواهد شد، هر چند جانهای زیاد را از دست خواهیم داد، خانواده های زیادی داغدار از دست دادن عزیزان خود خواهند شد، اما بشریت در این نبرد پیروز میدان خواهد بود. تا به امروز در گوشه و کنار ایران، اقدامات فردی و گروهی مردم برای یاری رساندن به هموعان خود در مقابله با این ویروس کرونا شروع شده است، کادر پزشکی بیمارستانها با وجود کار و تلاش شبانه روزی، حس امید و زندگی

حکمتیست را
توزیع و پخش
کنید!